

# اندیشه

### صراط



از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش بر محور وجود انسان می چرخد. این شد انسان محوری. در آیات زیادی هست که خورشید مسخّر شماست، ماه مسخّر شماست، دریا مسخّر شماست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که همین تعبیری را که گفتیم – «سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض»؛ همه اینها مسخر شمایند – بیان می‌کند. مسخّر شمایند، یعنی چه؟ یعنی الان بافعل شما مسخر همه‌شان هستید و نمی‌توانید تأثیری

## همه عوالم مسخّر آدمی است

روی آنها بگذارد؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اند و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخر شمایند. مسخّر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما می‌توانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان‌دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «و لقد کزّمنابی آدم».



این «کزّمنابی آدم» – بنی‌آدم را تکریم کردیم – تکریمی است که هم شامل مرحله تشریح و هم شامل مر حله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده، یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است.

**بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۷۹/۹/۱۲**

تبیینی از وجوه حرکت در هستی

# جهان‌های موازی سه‌گانه

تحلیل
دکتر حسین‌علی رضایی



حرکت، یکی از موضوعات اساسی در فلسفه است که حتی آن را می‌توان جزو وجوه افسراق برخی مکاتب فلسفی یا یکدیگر به حساب آورد. به عنوان مثال فلسفه صدرایی تبیینی از حرکت ارائه می‌دهد که با نام حرکت جوهری خود را از سایر مکاتب قبل از خود متمایز می‌سازد. در قسّر آن نیز موضوع حرکت بسیار اهمیت دارد و به استناد بر شی کتب قرآن پژوهی، انواع مختلفی از حرکت را می‌توان به استناد قرآن بر شمر د. از اقسام حرکت مادی اعم از حرکت خاص احشام، حرکت خاص تخت ملکه صیا، حرکت کوه‌ها همچون ابر که اشاره به حرکت وضعی دارد تا حرکت متعالی و تکاملی وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت در مسیر معراج به سوی ذات حق تعالی، موضوع حرکت با تبیین ابعاد هستتی و ماهیت وجود انسان امکانپذیر است و بیه عبارتی برای درک انواع حرکت آدمی باید ابتدا به مباحث انسان‌شناسی رجوع کرد. با بررسی نظرات فلسفی و عرفانی مبتنی حکما و عرفای مسلمان می‌توان انواع حرکت را مرور کرد و از آن جمله حرکت خطی است که نوشتار زیر در صدد ارائه مدلی از انواع آن است.

### خط در هندسی هستی

خط در نظام معرفتی در هندسه هویت می‌یابد. خط بر مفادیر نقطه در نسبت با نقطه یا نقاط دیگر معنا یافته و تعیین مقادیر و میزان موجب نظم پدیده‌ها می‌شود. هندسه به عنوان شاخه‌ای از علوم ریاضی به معنای قرار گرفتن عدد در دو بعد فضا و مکان تعبیر شده است(هلزی هال، ۱۳۶۹: ۴۳). طول، عرض و عمق سه بعد مکان را تشکیل داده و در امتداد بعد چهارم زمان حرکت تولید می‌شود. فضا در درون سه بعد مکانی به علاوه بعد چهارم زمانی هویت زمینه‌ای یا شرایط به خود می‌گیرد. خط یعنی حرکت و جابه‌جایی یک شیء از یک نقطه به نقطه دیگر. حرکت شیء از یک نقطه به نقطه دیگر دارای سه متغیر مکانی، زمانی و فضایی است. حرکت در مکان یعنی جریان؛ حرکت در زمان یعنی مسیر و تاریخ و حرکت در فضا یعنی شرایط، شکل می‌گیرد. جریان حرکت در نظام هستی نمایان و قابل لمس است و انسان به عنوان فاعل شناسا، حرکت را وارد سامانه معرفتی خود می‌کند و هویتی هندسی به آن می‌دهد. انسان با ابزار معرفتی مانند حواس پنج‌گانه و عقل استقرایی و قیاسی به ترسیم هندسی این حرکات و خطوط اقدام می‌کند. یک خط جریانی است که در مسیر زمانی در شرایط پیرامونی پدیدار می‌شود. حرکت در نظام هستی جهات مختلفی به خود می‌گیرد. حرکت خطی به اشکال مستقیم، هفت و هشتی (سینوسی)، رفت و برگشتی (سیکلی) و زیگمایی و… قابل ترسیم است. حرکت مستقیم در سه حالت رو به بالا، پایین و راست قابل تفکیک و تقسیم هستند. خط حرکت و جریان زندگی انسان‌ها نیز نسبت به سه متغیر مکان(زمین)، زمان و فضا (زمینه) و در رابطه با اجزای دیگر هستی اشکال مختلفی را به نمایش می‌گذارد. خط زندگی یک موجود بر خلاف نظر فلاسفه و علمای مادی، صرفاً در یک بعد فیزیکی یا زیستی محدود نمی‌شود؛ بلکه از دید بنده در سه حرکت درونی، طبیعی و ماورا طبیعی به صورت خطوط موازی(Parallel lines) یا جهان‌های موازی سه‌گانه(Triple parallel Univar’s) قابل ترسیم هستند.



در نگاه اسلام، تعامل بین سه خط سیر هستتی و معرفتی در وجود انسان و در نقطه‌ای به نام حکمت قابل جمع و تلاقی است. اتحاد و انطباق بین این سه خط موازی زمانی صورت می‌گیرد که انسان حس و عقل را در ذیل روح مودب کند. این سه خط موازی در سه وقت منطبق بر هم شده و تلاقی خواهند یافت. نقطه مرگ، قیامت صغری و قیامت کبری. البته در این دنیا و در زمان حیات نیز این سه جریان خطی به واسطه خواب نزدیک به انطباق بر یکدیگر خواهند شد

وجودی خویش و اشیای دیگر نیاز به شناخت دقیق خود دارند. تا شناخت دقیق از حرکت و جریان خطوط وجودی انسان در نسبت با خود حاصل نشود در نسبت به دیگر ابعاد وجودی هستی ناتوان خواهد بود. ابعاد وجودی انسان سه‌گانه است، لذا وجوه خطوط حرکت انسانی نیز سه وجهی خواهد بود. این ابعاد و خطوط سه‌وجهی در نسبت با سه‌وجه هستی تعریف شده است.

۱) بعد جسمی انسان و خلق و خط سیر حرکت جسم از ایجاد، کمال و معاد.
۲) بعد عقلی انسان و معرفت و خط سیر حرکت عقل از حرکت مستقیم از معرفت تا نایم.
۳) بعد قلبی و روحی انسان و خلق و خط سیر حرکت قلب از حب و بغض، جهات حرکت تا سلامت.
خط سیر بُعد مادی و کالبدی هستی که جسم انسان نیز شامل آن بوده از حواس مادی بهره گرفته و بر آنچه قابل لمس و مشاهده و در حال تغییر دائمی است، بنا می‌شود. این خط سیر دانی‌ترین حالت حرکت انسان محسوب می‌شود. ماجرای کسی که سرش را پایین انداخته و زندگی را روی یک خط راست(خط راست در اینجا به معنای صراط مستقیم نیست) بنا کرده است؛ با حرکت خط به سوی بالا و میل به عدد هشت، فکر می‌کند با معجزه‌ای مواجه شده و با حرکت خط به سوی پایین و میل به عدد هفت، منتظی یک بسای عظیم می‌ماند.

این انسان‌ها عمر حیوانی و نباتی‌شان را طی می‌کنند. انسان‌هایی که تمام اهداف و سیر زندگی خویش را حول خط عرضی و زیستی قرار می‌دهند، زندگی پست و دانی دارند. زندگی خطی دارای هویتی یکنواخت و نقطه به نقطه در عرض هستی دارد. این جریان در خط سیر مادی و بعد جسمانی تعریف می‌شود و انسانی که تمام هم خود را در دایره ماده ببیند، راهی برای رفتن به خارج از دایره زمان و مکان نخواهد یافت. انسان‌هایی که خود را محکوم در خط راست کرده‌اند از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال می‌یابند. خط راست حالتی از یک حرکت انسانی است که به صورت عرضی رسم شود. تمام محدوده درک چنین انسانی فقط جسمانیت اوست. خط ممتد عرضی حد یقینی در زمان مرگ جسم دارد. پس از مرگ جسم، خط نیز متوقف می‌شود. اگر هم در بعد کالبدی در تغییر حرکت مادی، چیزی را بر روی خاک بر جای گذارد، در دایره مکان و زمان باقی نخواهد ماند و رو به زوال و فنا می‌رود.

خط سیر بُعد فکری و معرفتی که عقل انسان را هدف قرار داده، از قوه عاقله و ناطقه انسان بهره گرفته و بر آنچه قابل حس و فهم بوده و بر اساس ماده خام قیاس یا استقرا بنا نهاده شده، شکل می‌گیرد. خط سیر انسان‌های منطقی و فیلسوف را که همه جریان هستی را در دایره عقل تعریف می‌کنند و به دنبال مقدمات مفهومی و تصوری، ماده خام صفروی یا قواعد کلی کبروی قضایا، حرکت عقل از مبایذ معلوم تصوری برای نشان دادن مجهولات تصوری، صورت می‌گیرد، از این دسته محسوب می‌شوند. خط سیر عقل در دایره مفاهیم شکل می‌گیرد و منطق ابزاری می‌شود برای بیان حدود و نفور مفاهیم و گزاره‌های عقلی و مصون داشتن فکر از خطا. فیلسوفان مادی که شکل‌هنده حرکت و جریان خطوط مکاتب فکری غرب هستند، به جای رجوع به مقدمات معنایی و درونی به بعد

## انسان‌هایی که در صراط مستقیم حرکت می‌کنند، مسیر خطی آنها میل به اعتلا دارد و بعد اخلاقی بر ابعاد حسابگر عقلی و شهوت‌مدار حسی برتری مشهودی می‌یابد. خط حرکت این انسان‌ها بیشتر در عالم معنا و بالا تعریف می‌شود. آنها نسبت به جریانات عوالم دیگر که بر محور حکمت بنا شده است، آگاه تر هستند. همه هستتی در دید این عرفا و حکما خیر از فعل و انفعالات خطوط و جریانات عوالم ماورایی دارد. جنس موجودات این ماهیتی کاملاً روحانی و معنایی دارند

انسان‌هایی که در صراط مستقیم حرکت می‌کنند، مسیر خطی آنها میل به اعتلا دارد و بعد اخلاقی بر ابعاد حسابگر عقلی و شهوت‌مدار حسی برتری مشهودی می‌یابد. خط حرکت این انسان‌ها بیشتر در عالم معنا و بالا تعریف می‌شود. آنها نسبت به جریانات عوالم دیگر که بر محور حکمت بنا شده است، آگاه تر هستند. همه هستتی در دید این عرفا و حکما خیر از فعل و انفعالات خطوط و جریانات عوالم ماورایی دارد. جنس موجودات این ماهیتی کاملاً روحانی و معنایی دارند

جسمانی نظر افکنده و قضیه منطقی با صغری و کبری کالبد هستی هویت می‌گیرد. خط سیر حرکت عقلانی مادی و علزده نتیجه‌ای جز سردرگمی انسان و تنزل او در سیر خط دانی هستی نخواهد بود.

خط سیر حرکت قلبی و روحی انسان با اخلاقیات ارتباط دارد. پایداهای ناپیدهای اخلاقی که جهات حرکت راشان می‌دهد و در انجام دادن یا ندادن یک فعل یا حرکت قلب در نیات، موجب رشد و غی انسان می‌شود. حرکت قلب در حب و بغض نسبت به خوبی‌ها و بدی‌ها و زیبایی و زشتی‌ها هویت می‌یابد. هر چه قلب مایل به خوبی‌ها باشد، سلامت آن حفظ می‌شود و سلامت قلب موجب تمایل به خوبی‌هاست و بالعکس. انسان‌هایی که در بعد قلبی و خلقی رشد کنند، ایمان به عوالم دیگر می‌آورند، بنابراین نوع خط حرکت مستقیم آنها به صورت طولی، تشکیکی و ذومراتبی است.

### تعامل سه خط در سیر هستی

در نگاه اسلام، تعامل بین این سه خط سیر هستی و معرفتی در وجود انسان و در نقطه‌ای به نام حکمت قابل جمع و تلاقی است. اتحاد و انطباق بین این سه خط موازی زمانی صورت می‌گیرد که انسان حس و عقل را در ذیل روح مودب کند. در باور صادق محقق و مدعی این فرض، این سه خط موازی در سه وقت منطبق بر هم شده و تلاقی خواهند یافت. نقطه مرگ، قیامت صغری و قیامت کبری. البته در این دنیا و در زمان حیات نیز این سه جریان خطی به واسطه خواب نزدیک به انطباق بر یکدیگر خواهند شد. نکته جالب توجه اینجاست که با نزدیک شدن این سه بعد در نسبت به یکدیگر و برتری بُعد ماورایی بر ابعاد جسمانی و عقلانی، زمان هویت خویش را از دست داده و گذشته و آینده، نزد انسانی که به وحدت این سه حرکت موازی در آن(حال) رسیده است، واضح می‌شود.

انسان‌هایی که در صراط مستقیم حرکت می‌کنند، سیر خطی آنها میل به اعتلا دارد و بعد اخلاقی بر ابعاد حسابگر عقلی و شهوت‌مدار حسی برتری مشهودی می‌یابد. خط حرکت این انسان‌ها بیشتر در عالم معنا و بالا تعریف می‌شود. آنها نسبت به جریانات عوالم دیگر که بر محور حکمت بنا شده است، آگاه‌تر هستند. همه هستی در دید این عرفا و حکما خیر از فعل و انفعالات خطوط و جریانات عوالم ماورایی دارد. جنس موجودات این عوالم نه مادی و نه مفهومی است، آنها ماهیتی کاملاً روحانی و معنایی دارند.

بنابراین در جمع‌بندی این مدعا بیان می‌شود که حرکت در وجوه مختلفی در هستی به کشل خط قابل مشاهده است. یکی از وجوه این حرکات در مسیر خطی، خط مستقیم است که خود شامل سه وجه میل به بالا، پایین و راست داشت. خطوط سه‌گانه فوق در سیر خلق، تکامل و معاد قرار دارند و با توجه به سه حالت جسمی، عقلی و روحانی به صورت موازی در عوالم سه‌گانه هستی در حال حرکت هستند، بنابراین این سه حالت که بیان داشتیم در چند نقطه و اوقات منطبق بر هم می‌شوند، خود موجب شکل‌گیری جریانات و مکاتب معرفت علمی، فلسفی و عرفانی شده‌است.

مباحث فوق مقدمه و بایی در حوزه معرفت‌شناسی اسلامی است که در قالب یک ادعا در نسبت‌سنجی هستی با انسان و معرفت بیان شده است.

### درنگ



## غرب قربانی اصلی بی‌حجابی

دکتر علی مطهری در ارائه‌ای که چند روز پیش در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، با واکاوی اندیشه استاد مر تفضی مطهری پیرامون مسئله حجاب؛ بیه تبیین رابطه عفت یا حجاب در جامعه اسلامی و جوامع غربی پرداخت. در ادامه متن تنظیم‌شده گزیده این ارائه را مطالعه می‌کنید.
**عفاف در سوره نور**
در سوره نور که بخش اعظم آن مسائل مربوط به عفاف و مسائل مربوط به زن و مرد و احکام نگاه کردن و حکم زنا و از این قبیل است، آمده است که این حکمی است که ما بر شما نازل و بر شما واجب کرده‌ایم. این را حتم و قطعی کردیم و از قوانین تغییر‌ناپذیر است که بر اثر مقتضیات زمان عوض نمی‌شوند. اینها جزو اصول زندگی انسان است و تغییر‌ناپذیر است که واجب شده‌اند. در اروپا و غرب در جهت عکس قرآن عمل می‌کنند و اسم آن را هم آزادی می‌گذارند. در سوره نور آمده است که مسائل مربوط به عفاف چیزی نیست که ما بخواهیم به شما بیاموزیم و به شما اضافه کنیم، بلکه در درون و ذات شما وجود دارد، فقط ما به شما یادآوری می‌کنیم تا از غفلت خارج شوید. حال با توجه به این اخلاق جنسی در اسلام و غرب اگر به مقوله ازدواج نگاه کنیم می‌بینیم که ازدواج در سیستم اسلامی خروج از ممنوعیت و محدودیت است، در حالی که ازدواج در سیستم غربی آغاز محدودیت و ممنوعیت است. در سیستم اسلامی اما این گونه نیست، چون از نظر اسلام کامیابی جنسی منحصر‌آباد در کانون خانواده باشد و خارج از آن ممنوع است. دلیل اینکه پایه کانون خانواده در دنیای غرب سست است، رعایت نکردن همین اصل است.
روش اسلامی باعث استحکام خانواده می‌شود، ولی روش دوم استحکام ندارد و کسی که عادت کرده این گونه باشد نمی‌تواند به یک نفر پایبند باشد، لذا آن روابط معمولاً داماد می‌یابد و به همین دلیل است که اسلام برای زنا مجازات تعیین کرده است و حتماً هم تأکید دارد این مجازات در حضور مردم باشد تا آثار اجتماعی داشته باشد. می‌دانیم در اسلام ازدواج و علاقه جنسی یک امر مقدس شمرده شده است و پیامبر اسلام بر آن تأکید کرده است. یکی از خلقیات انبیا دوست داشتن زنان است، اما درباره اینکه این روابط یک چارچوب و مقرراتی دارد، تردیدی نیست. در اسلام مقررات زیادی در این باره قرار داده شده است. برای مثال مجازات تهمت زنا ۸۰ ضربه شلاق است.

### ریشه حجاب در اسلام

ریشه حجاب در اسلام از اهمیتی بر خوردار است که اسلام برای خانواده قائل است. اسلام، نظام خانوادگی خاصی دارد و تمهیداتی برای آن در نظر گرفته که این نظام خانوادگی محکم‌تر باشد. خانواده مثل یک شرکت تجاری می‌ماند که در آن مرد و زن سرمایه خود را می‌آورند و هر کدام ۵۰ درصد سرمایه گذاری و با هم زندگی می‌کنند و اگر باید در حد طبیعی باشند و دوم اینکه جامعه تحرک نکند. پس این کار نوعی بهداشت روانی و تحکیم روابط افراد خانواده در جامعه ایجاد می‌کند و بر مری‌هاش، ایجاد صمیمیت کامل بین زوجین، حفظ نیروی کار و بالا رفتن ارزش زن و جلوگیری از ابتذال اوست. انسان در همه‌قوی خود سبیری‌ناپذیر است، مثل سبیری‌ناپذیری از جاه و مقام. انسان خواهان نامتناهی است در همه زمینه‌ها و فطرت نامتناهی خواهد داد. اگر تمام ثروت زمین را به او بدهند باز هم می‌خواهد ثروتش بیشتر شود. در زمینه‌گریزه جنسی هم همین است و باید تدبیری برای آن اندیشه شود. محققان غربی امروز مدعی هستند که یکی از قربانیان روابط جنسی در غرب همین پدیده عشق است چون عشق‌های رمانتیک دیگر پیدا نمی‌شوند و آن چیزی که بیشتر مشاهده می‌شود، هوس است. به خاطر حفظ آرامش روانی جامعه، اسلام تدابیری را در نظر گرفته است. تزاصلی اسلام که شهید مطهری بر آن تأکید دارد این است که نه برده‌نشیننی و نه اختلاط، بلکه حریم باید حفظ شود. یعنی زن می‌تواند وارد فعالیت‌های اجتماعی شود فقط باید حریم خود را در دمای بیگانه حفظ کند.



ریشه حجاب در اسلام از اهمیتی بر خوردار است که اسلام برای خانواده قائل است. اسلام، نظام خانوادگی خاصی دارد و تمهیداتی برای آن در نظر گرفته که این نظام خانوادگی محکم‌تر باشد. خانواده مثل یک شرکت تجاری می‌ماند که در آن مرد و زن سرمایه خود را می‌آورند و هر کدام ۵۰ درصد سرما یه گذاری و با هم زندگی می‌کنند

اجتماع قائل شده‌اند. معتقدند که زن دوره‌های سه‌گانه‌ای داشته است. در یک دوره زن یک شی خیلی گرانبها بوده و آن دوره برده‌نشیننی زن است که از خانه بیرون نمی‌آمده و مرد دسترس به او نداشته و برای دسترسی به او باید تلاش زیادی می‌کرده، لذا زن گرانبها بوده اما شخصیت او رشد پیدا نمی‌کرد و مثل یک گوهر یا الماس، یک شی گرانبها بوده است. در دوره‌ای دیگر زن از شی بودن خارج و تبدیل به شخص می‌شود و استعدادهای وجود او شکوفا می‌شوند، اما یک شخص بی‌ارزش می‌شود، چون دسترسی مرد به زن خیلی آسان بوده و زن آن احترام خود را از دست داده است. در مدل غربی زن این گونه است، شخصیت و تخصص پیدا کرده اما ارزش و احترام خود را از دست داده است. در حالت سوم، زن هم شخص است و هم شی نیست و گرانبها و با ارزش است و این مدلی است که اسلام آن را تأیید می‌کند. زن هم مثل مرد استعدادهایی دارد که باید شکوفا شوند و وجود همین استعدادها منشا یک حق است. کسی که استعداد تحصیل دارد، پس حق تحصیل هم دارد. برای اینکه زن بی‌ارزش نشود و احترام خود را از دست ندهد، اسلام تدابیری اندیشیده است که یکی از آنها مسئله پوشش اسلامی و دیگری عدم‌اختلاط است. در فعالیت‌های اجتماعی زن و مرد نباید مختلط باشند و روابط آزاد بین ممنوعیت و محدودیت است، در حالی که ازدواج در سیستم غربی آغاز محدودیت و ممنوعیت است. در سیستم اسلامی اما این گونه نیست، چون از نظر اسلام کامیابی جنسی منحصر‌آباد در کانون خانواده باشد و خارج از آن ممنوع است. دلیل اینکه پایه کانون خانواده در دنیای غرب سست است، رعایت نکردن همین اصل است.

<sup>[1]</sup> خط سیر حرکت قلبی و روحی انسان با اخلاقیات ارتباط دارد

<sup>[2]</sup> خط سیر حرکت قلبی و روحی انسان با اخلاقیات ارتباط دارد